

پایان راه پ.ک.ک ، نقطه عطفی در مبارزات کردها ؟

نسیم بهار

بعد از مدتها انتظار و گمانه زنی ، سرانجام حزب کارگران کردستان کنگره هشتم خود را برگزار نمود و با انحلال خود و ایجاد تشکل جدیدی بنام "کنگره آزادی و دموکراسی کردستان" (KADEK)، نقطه پایانی به عمر بزرگترین حزب سیاسی - نظامی کرد گذاشت. در قطعنامه پایانی کنگره هشتم PKK و اولین کنگره "کنگره آزادی و دموکراسی کردستان" (کادک) آمده است که "PKK" با همه اشتباهات و دستاوردهایش رسالت تاریخی خود را به پایان رسانده و دیگر جوابگوی شرایط کنونی نیست". حزبی که به فاصله زمانی کوتاهی از یک محفل کوچک دانشجویی چپگرای کرد به بزرگترین حزب سیاسی کردستان تبدیل گشته بود و توانست در دوره ای ۲۰ ساله از مبارزه خود مساله کرد را در قلب سیاست ترکیه و اروپا جای داده و آنرا به مهمترین مسئله سیاسی روز ترکیه و اصلی ترین دغدغه فکری رهبران آن کشور تبدیل نماید. تلاشهای این حزب توانست آنچه را که سیاستمداران ترک از آن وحشت داشتند، یعنی شکلگیری هویت سیاسی-فرهنگی مدرن کردی که اساس و فلسفه وجودی نظام سیاسی ترکیه را زیر سوال میبرد تحقق بخشد، آنچه را که خود رهبران این حزب از آن بنام "دوره شکوفایی آگاهی و شعور ملی و تثبیت هویت ملی کرد" و به عبارت دیگر "رستاخیز ملی کرد" یاد میکنند.

حزب کارگران کردستان که به عقیده بعضی از صاحب نظران عکس العملی بود در مقابل سیاست سرکوب ، انکار و تحلیل بردن کردها توسط ترکیه ، و که در ابتدای فعالیت خود از بکارگیری روشهای خشونت آمیز نیز ابائی نداشت، توانست در مدت زمان کوتاهی از حمایت وسیع توده ای برخوردار گردد. PKK توانست هزاران جوان کرد و بعضا ترک را مسلح نموده و ضربات نظامی-اقتصادی بزرگی به ترکیه وارد آورد و این کشور را دچار بحرانهای عمیق سیاسی و اقتصادی کند. ترکیه نیز بنوبه خود به سرکوب شدید کردها پرداخت. بیش از چهار هزار روستای کردستان توسط ارتش ترکیه تخریب شد و میلیونها کرد مجبور به کوچ اجباری شدند. هزاران نفر توسط جوخه های مرگ "حزب الله ترکیه" که از حمایت نیروهای امنیتی دولتی برخوردار بودند، به قتل رسیدند. البته عضویت ترکیه در ناتو و نیاز دولتهای غربی و مخصوصا امریکا و اسرائیل به متحدی همچون ترکیه در منطقه پر مخاطره و استراتژیک خاورمیانه ، کار حزب کارگران کردستان را دشوارتر میکرد و مطبوعات و رسانه های گروهی غرب هم تمایل آنچنانی به حمایت از یک گروه چپگرا که با یکی از مهمترین متحدان غرب میجنگید را نداشتند و این امر امکان پیدا کردن حامیانی در افکار عمومی غرب که پ.ک.ک به شدت به آن نیازمند بود سختتر مینمود. البته اعمال و بکارگیری خشونت سیاسی و احترام نگذاشتن به قوانین کشورهای میزبان غربی از جانب هواداران این حزب در اوایل دهه ۹۰ میلادی در اروپا نیز این امر را دشوارتر مینمود.

بن بست سیاسی و راه خروج از آن

رهبران حزب کارگران کردستان که بعد از سالها جنگ به این نتیجه رسیده بودند که ادامه سیاستهای سابق راه به جایی نخواهد برد و حمایت مردمی به تنهایی برای رسیدن به یک توافق با دولت مرکزی کافی نیست ، به جستجوی راههایی دیگر پرداختند. اعلام آتش بس یکجانبه توسط پ.ک.ک در دوره زمامداری رئیس جمهور فقید ترکیه ، تورگوت اوزال در سال ۹۳ میلادی آغاز سیاست جدید این حزب بود که در ادامه خود به بازبینی و تغییرات اساسی تری در استراتژی و ساختار فکری و تشکیلاتی این حزب انجامید، که مخصوصا بعد از دستگیری عبد الله اوجلان رهبر این حزب توسط سرویسهای اطلاعاتی غربی و تحویل

ایشان به ترکیه روند مذکور شتاب بیشتری به خود گرفت. البته بوجود آمدن تحولات سیاسی در دهه نود و پایان دوران جهان دو قطبی و گشایشها و اصلاحات بوجود آمده در خود ترکیه به منظور پیوستن به اتحادیه اروپا نیز حزب کارگران کردستان را در پیش گرفتن سیاستهای نوین خود مصرتر نمود. ضربات پی در پی بر پیکر حزب کارگران کردستان، دستگیری و شکنجه دهها هزار هوادار این حزب و تشدید فشارهای دول غربی و سرانجام دستگیری رهبر این حزب هیچکدام نتوانستند این حزب را از پای در آورند و یا به طرف بکارگیری روشهای مبارزاتی خشونت آمیزتری سوق دهد. در دوره سه ساله اخیر که این حزب از هر طرف تحت فشار سیاسی، نظامی و از همه مهمتر ایدئولوژیک بود و بسیاری از ناظران سیاسی انتظار از هم پاشیدگی و به عبارت دیگر پایان "دوره پ.ک.ک" را داشتند، در میان ناباوری همگان این حزب توانست از بسیاری جهات موقعیت سیاسی خود را تحکیم بخشد. اکثریت عظیمی از کردها، مخصوصا در ترکیه و اروپا به فراخوان رهبران پ.ک.ک پاسخ مثبت دادند و بطور وسیعی در میتینگهای نوروزی شرکت نمودند و به طرفداری از حزب کارگران کردستان و رهبر دربند آن اوجالان شعار دادند و به این ترتیب حمایت خود را از استراتژی جدید این حزب مبنی بر حل دمکراتیک و مسالمت آمیز مسئله کرد به نمایش گذاشتند و این به نوبه خود به بالارفتن اعتماد به نفس اعضای این حزب در پافشاری بر مبارزات دمکراتیک و سیاسی یاری رساند. از طرف دیگر افکار عمومی دنیا و بالاخص کشورهای اروپائی دیگر مثل سابق به پدیده پ.ک.ک نمی نگریستند و به تمامی خواسته های ترکیه و حامی اصلی اش امریکا جواب مثبت نمی دادند. بطوریکه حتی در شرایط استثنائی بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر نیز کشورهای عضو اتحادیه اروپا برخلاف امریکا، حزب کارگران کردستان را در لیست سازمانهای تروریست این اتحادیه قرار ندادند و ترکیه را از ادامه فشار بر تنها حزب قانونی کردها یعنی حزب دمکراسی مردم (HADEP) بر حذر داشتند و به حمایت قاطع از این حزب پرداختند. بسیاری از صاحب نظران رابطه بین پ.ک.ک و HADEP را با رابطه بین سازمان زیرزمینی IRA و حزب شین فین در ایرلند مقایسه میکنند.

تغییر نام یا تحول استراتژیک ؟

با این وجود این سوال پیش میآید که پس چرا این حزب خود را منحل کرد و چه تفاوتی بین پ.ک.ک و شکل جدید یعنی "کنگره آزادی و دمکراسی کردستان" وجود دارد؟ پاسخ به این سوال چندان آسان نمی نماید و رهبران "کنگره آزادی و دمکراسی کردستان" نیز که در چند روز اخیر و در طی مصاحبه های مطبوعاتی مختلفی که داشتند نتوانستند به این سوال پاسخ روشنی دهند و بیشتر رسانه های گروهی جهان نیز انحلال پ.ک.ک و تشکیل سازمان جدید را یک "تغییر نام" خواندند، اگر چه رهبران سابق پ.ک.ک اصرار دارند که این را "تغییر استراتژیک" نام نهند.

مقامات حکومت ترکیه، منجمله نخست وزیر و وزیر امور خارجه نیز بنوبه خود تشکیل کنگره آزادی و دمکراسی کردستان را تاکتیکی از جانب رهبران "گروه تروریست و تجزیه طلب" خواندند. بولنت اجویت، نخست وزیر به خبرنگاران گفت؛ تغییر نام پ.ک.ک فریبی بیش نیست و آنها از هیچکدام از افکار و تمایلات جدائی خواهانه خود دست برنداشته اند، هدف آنان از نشر اینگونه اخبار، فریب بعضی از کشورهای اروپائی میباشد، که این دوستان اروپائی ما نیز به هر حال به این امر واقف هستند. اجویت و بسیاری دیگر از سیاستمداران ترک و بعضی از ناظران بی طرف نیز معتقدند، یکی از اهداف اصلی حزب کارگران کردستان از این امر گشودن فصل نوینی از روابط بین جنبش تحت فرماندهی آنان و دنیای غرب میباشد. رهبران این جنبش به اهمیت حیاتی نزدیکی به اروپا و کسب حمایت آن در امر مبارزه خود پی برده اند و طبق گفته عثمان اوجالان از رهبران کنگره جدیدالتاسیس آزادی و دمکراسی

کردستان هدف مبارزه آنان نیز در نهایت رساندن کردها به آنچه وی " تمدن دمکراتیک اروپا " می نامد میباشد. البته با در نظر گرفتن احتمال ورود ترکیه و به این ترتیب بخش بزرگ کردستان به خانواده کشورهای اتحادیه اروپا این آرزوی اوجالان چندان دور از دسترس نمی نماید.

مطبوعات ترکیه هم واکنشی متفاوت از مقامات دولتی نشان ندادند. سردبیر روزنامه حریت نوشت؛ اینها تنها یک انتخاب دارند و آنهم قبول هویت غالب و بالادست ترک میباشد، یا این را میپذیرند و یا هرگز نمیتوانند به ترکیه برگردند"

وداع با ایده تشکیل کردستان واحد؟

طبق قطعنامه پایانی کنگره هشتم پ.ک.ک.ک فرق اساسی کادک با پ.ک.ک.ک در این میباشد که کادک مستقیماً خواهان بدست گیری قدرت سیاسی نیست، زیرا خواست بدست گیری قدرت سیاسی در کردستان را به منظره تلاش برای تشکیل کردستانی واحد و برداشتن مرزهای موجود بین این کشورها میداند، چیزی که طبق گفته رهبران کادک نه نیازی به آن میباشد و نه امری است واقعینانه. کنگره آزادی و دمکراسی کردستان تلاش برای کسب قدرت سیاسی را وظیفه احزاب و تشکلهای دمکراتیکی میداند که در چارچوب کشورهایی که کردها در آن زندگی میکنند، مبارزه خود را برای بسطدمکراسی و کسب حقوق دمکراتیک و سیاسی کردها به پیش میبرند و یا جریاناتی که برای پیشبرد این امر از طرف نیروهای دمکرات و آزادیخواه در این کشورها تشکیل خواهند شد. به گفته ناظران سیاسی اتخاذ این سیاست راه را برای ایفای نقش جدی تری برای حزب دمکراسی مردم (HADEP) میگشاید. هادپ تنها حزب قانونی کردها در ترکیه از حمایت گسترده ای در مناطق کردستان برخوردار است و در آخرین انتخابات شهرداریها در ۳۵ شهر و قصبه کردستان و منجمله شهرهای مهمی همچون دیاربکر، وان، آغری و باتمان پیروز شد. این حزب از حمایت جامعه اروپا مخصوصاً احزاب سوسیال دمکرات برخوردار است. به گفته مسئولان کنگره آزادی و دمکراسی کردستان، آنها همچنین از شکلگیری اتحاد عملهای گسترده بین نیروهای دمکراتیک کرد و جریانات و تشکلهای دمکرات و آزادیخواه کشورهایی که کردها در آن زندگی میکنند، حول مبارزه برای تعمیق پروسه دمکراتیزاسیون و اصلاح ساختار سیاسی نظامهای موجود و برای آنچه آنان "اتحاد داوطلبانه و برابری حقوق ملل ساکن این کشورها" مینامند، حمایت خواهند کرد.

بدین ترتیب آنها به جای هدف قرار دادن سرنگونی نظامها و برداشتن مرزهای موجود، برای دمکراتیزه کردن و اصلاح این رژیمها و تامین حقوق کردها در چارچوب مرزهای کشورهای مذکور مبارزه خواهد کرد. در این راستا هدف استراتژیک کنگره آزادی و دمکراسی کردستان ایجاد فدراسیون دمکراتیک کشورهای خاورمیانه میباشد، که در آن کردها هم بعنوان عضوی برابر حقوق این اتحاد دمکراتیک. از همه حقوق دمکراتیک و سیاسی خود برخوردار خواهند بود. کادک با این وصف معتقد است که راه حل مسئله کرد در هر کدام از کشورهای موجود با توجه به شرایط خاص این کشورها متفاوت میباشد و اتخاذ سیاست واحدی برای حل مسئله کرد برای همه بخشهای کردستان را نادرست میداند و طبق مصوبات کنگره این حزب، میهن دوستان و نیروهای دمکراتیک هر کدام از بخشهای کردستان با توجه به شرایط خاص این کشورها، راه حلهای مناسب را برخواهند گزید.

البته انتظار می رود این سیاست رسمی کادک مبنی بر حمایت از مبارزات دمکراتیک کردهای بخشهای مختلف کردستان حساسیت برانگیز هم باشد و از طرف بعضی از نیروهای سنتی کردستان بعنوان "دخاله در امور داخلی کردستانهای دیگر تلقی شود. این شاید در آغاز زندگی سیاسی کادک به سادی روابط بین این تشکل و بعضی از احزاب سنتی کرد که گرایشات محافظه کارانه دارند و به آسانی حضور جریانات و تشکلهای جدید دیگر را بر نمی تابند، بیانجامد. در این رابطه رهبران کادک که تعدادی از کردهای

بخشهای دیگر کردستان نیز در میان آنان دیده میشوند در پاسخ به کسانی که میگویند، نیاز به تشکیل احزاب جدیدی نیست میگویند "کردها باید به قواعد بازی دموکراتیک تن بدهند و اگر تشکلهای جدید نتوانند توجه و حمایت کردها را به سوی برنامه و سیاستهای خود جلب کنند، خودبخود از صحنه سیاسی خارج خواهند شد ولی کثرت احزاب و تشکلهای سیاسی و دموکراتیک بستر لازم را برای کردستان آزاد و دموکراتیک فراهم خواهد آورد".

کادک به جای توسل به ناسیونالیسم قومی، حل دموکراتیک و سیاسی مسئله کرد را اساس قرار میدهد و به این ترتیب برای همبستگی بیشتر ملت‌های منطقه و زندگی صلح آمیز و برادرانه خلقها براساس موازین دموکراتیک و حقوق برابر مبارزه میکند. لازم به یادآوریست که تعداد زیادی از روشنفکران و مبارزین ترک، آشوری و از دیگر ملیتها در صفوف این حزب و حتی در سطوح رهبری آن مبارزه میکنند. دران کالکان عضو شورای ۱۱ نفره رهبری پ.ک.ک از جمله مبارزین ترکی میباشد که سالهاست در رهبری این حزب حضور دارد.

سرنوشت نیروهای مسلح پ.ک.ک ؟

نافرمانی مدنی و اعتراضات گسترده عمومی (سرهلدان) همراه با فعالیتهای دیپلماتیک، فرهنگی و هنری شیوه های اصلی مبارزاتی کادک خواهند بود. نیروهای مسلح متشکل در واحدهای دفاع خلق به گفته مسئولان کادک در شرایط کنونی ضامن صلح هستند و در اوضاع بحرانی کنونی که هنوز دولت ترکیه از سیاست امحاء آنها دست برنداشته هرگونه خلع سلاح به معنی خودکشی سیاسی میباشد، ولی همزمان تاکید میکنند که تنها در صورت حمله به آنها و تنها به منظور دفاع از خود خواهند جنگید. لغو قانون اعدام، فراهم نمودن شرایط قانونی برای امکان فعالیت سیاسی آزادانه نیروهای کادک، اعلام عفو عمومی برای کلیه مخالفین، برداشتن موانع و محدودیتهای قانونی در بکارگیری و استفاده از زبان کردی در امر آموزش و پرورش و پخش رادیو-تلویزیونی از جمله حداقل شروطی هستند که کادک پیش پای مقامات ترکیه میگذارد تا با قبول آن از جانب دولت، زمینه برای اینکه نیروهای مسلح خود را منحل نمایند فراهم گردد و نیروهای آن برای مشارکت آزادانه در زندگی سیاسی به ترکیه بازگردند. مسئولان کنگره آزادی و دموکراسی کردستان بر این امر واقفند که تحقق این شروط نیاز به زمان دارد، اما با وجود این آنها امیدوارند که در کوتاهترین مدت زمانی بتوانند در بنیاد نهادن آنچه آنان "جمهوری دموکراتیک" مینامند، شرکت نمایند. چرا که رهبران کادک امیدوارند با گسترش مبارزات دموکراتیک و همه گیر شدن آن از یک سو و فشارهای اتحادیه اروپا و نیاز دولت ترکیه به بازبینی و نوسازی سیاسی، این کشور را وادار به انجام رفرمهای گسترده تری نماید. هدف عمده دیگر از تغییر برنامه و استراتژی پ.ک.ک و پایه گذاری تشکل جدید از جانب آنان میتواند، دادن اطمینان به مسئولان حکومت ترکیه باشد که مبارزه آنان حاکمیت ملی ترکیه را به خطر نخواهد انداخت، تا نیروهای به نسبت لیبرال تر و اصلاح طلب بتوانند با خیالی آسوده تر اصلاحات مورد نظر خود و اتحادیه اروپا را به پیش ببرند. نیروهای راست و افراطی ترک هرگونه تحول و اصلاح ساختار سیاسی قدرت در ترکیه را سرآغاز تجزیه و فروپاشی این کشور میدانند و شدیداً با آن به مخالفت میپردازند و این جریانات راست هم در بدنه حکومت و همچنین در میان اقلشار مختلف مردم از حمایت قابل ملاحظه ای برخوردارند.

KADEK بدیل اسلام سیاسی در منطقه؟

کنگره آزادی و دموکراسی کردستان برخلاف پ.ک.ک خود را یک حزب ایدئولوژیک و متعلق به یک طبقه خاص نمیداند. طبق برنامه کادک این تشکل جدید به همه اقشار اجتماعی، گروههای قومی، مذهبی و نیروهای تعلق دارد که خواهان برقراری نظامی دموکراتیک، تکثرگرا، و سکولار هستند. نظامی که همه گروههای نامبرده در آن از حقوق مساوی برخوردار باشند.

نکته قابل توجه دیگر در رابطه با کنگره آزادی و دموکراسی کردستان، شرکت فعالانه و گسترده زنان در همه سطوح و ارگانهای این حزب میباشد. بطوریکه از ۵۱ عضو انتخاب شده برای شورای عالی کنگره مذکور ۲۱ نفرشان زن میباشند، و پیشبینی میشود در کنگره آتی، این تعداد به پنجاه درصد کل اعضای رهبری برسد. شرکت فعالانه زنان در مبارزات کردستان و حضور چشمگیر آنان در ارگانهای رهبری آن با توجه به رشد گرایشات شدیداً محافظه کارانه و مذهبی در کل خاورمیانه و خصلت ضد زن این گرایشات از اهمیت خاصی برخوردار است. بسیاری از صاحب نظران، جنبش تحت رهبری پ.ک.ک را قلعه سکولاریزم و آزادی زنان در کل منطقه میدانند. بی جهت نیست که نیروهای حامی این جنبش سالها هدف ترورهای خیابانی نیروهای حزب الله ترکیه، البته با حمایت نیروهای امنیتی بودند، که طی آن نزدیک به پنج هزار نفر از روشنفکران و مردم عادی در سالهای ۹۲-۹۶ میلادی قربانی این ترورها و حملات شدند. با وجود اینکه دولت ترکیه در مقیاس سراسری محدودیتهایی را برای نیروهای اسلام سیاسی بوجود میآورد، لکن در ۲۰ سال اخیر همه امکانات دولتی را در مناطق کردنشین در اختیار انجمنها و احزاب مذهبی گذاشت و آنها را تقویت نمود تا با کمک به رشد اسلام سیاسی در کردستان از رشد جنبش ملی-دموکراتیک کردها جلوگیری کنند. بی جهت نیست که در انتخابات شهرداریها در کردستان نیروهای دولتی برخلاف سایر نقاط کشور همه امکانات خود را برای تبلیغ کاندیداهای حزب اسلامگرایی فضیلت بکار بردند. با وجود این کاندیداهای مورد حمایت هادپ در اکثر شهرهای کردستان آرای چشمگیری بدست آوردند و ترورها و جو شدید سرکوب و حمایت نیروهای دولتی از شبکه ترور اسلامگرایان نتوانست جامعه کردستان را تسلیم کند. در مقابل این فشارها، همه نهادها سیاسی، دموکراتیک و مدنی در مناطق کردنشین نهادهای فراگیری تحت عنوان پلاتفرمهای دموکراسی بوجود آوردند. پلاتفرمهای دموکراسی شهرهای کردستان که حزب هادپ ستون اصلی آن را تشکیل میدهد بعنوان سخنگویان مردم منطقه اعتبار ملی و بین المللی کسب کرده اند و از طرف بسیاری از کشورها و نهادهای بین المللی و بالاخص اروپائی بطور رسمی مورد پذیرش قرار میگیرند.

بی شک کنگره آزادی و دموکراسی کردستان نقطه عطفی خواهد بود در مبارزات کردها در همه بخشهای کردستان. کردهای ساکن ایران هم از این تاثیرپذیری بی نصیب نخواهند ماند. چراکه در دوران جهانی شدن، همه کشورهای جهان از هر لحاظ بشدت از هم تاثیرپذیر شده اند، چه رسد به کشورهای همسایه و مخصوصاً ملت کرد که برخلاف خواست خود بر بخشهای مختلفی تقسیم شده و احساس هم سرنوشتی زیادی با هم دارند و شاید کنگره آزادی و دموکراسی کردستان در نوع خود اولین جریانی است که در آن کردهای همه کشورها در آن فعالانه شرکت دارند و خود را موظف به حمایت از مبارزه کردها در همه کشورهایی میدانند که کردها در آن زندگی میکنند.

نسیم بهار
۲۰۰۲-۰۴-۲۰